

رابطه مصرف غذای غیرحلال با خودکنترلی، جایگاه مهار درونی، هوش اخلاقی و وجدانی بودن، در کارکنان ادارات اهواز

سیدعلی مرعشی*

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه مصرف غذای غیرحلال با خودکنترلی، جایگاه مهار درونی، هوش اخلاقی و وجدانی بودن، در کارکنان ادارات اهواز، در سال ۱۳۹۶ش، بود. جامعه آماری شامل ۹۵۰ نفر از کارکنان شرکت ملی حفاری ایران، شرکت فولاد خوزستان، شرکت آب و برق خوزستان و شرکت آب و برق منطقه‌ای بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه خودکنترلی تانجی و همکاران، مقیاس منبع کنترل لونسون، پرسش‌نامه هوش اخلاقی لنینک و کی‌یل، مقیاس فرم کوتاه نئو مک‌کری و کاستا و پرسش‌نامه محقق‌ساخته آزمون خوردن انجام شد. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون خطی چندگانه تجزیه و تحلیل شدند. نتایج پژوهش نشان‌دهنده روابط میان غیرحلال‌خواری و خودکنترلی، غیرحلال‌خواری و سبک اسناد درونی، غیرحلال‌خواری و استقامت و پافشاری بر حق، غیرحلال‌خواری و مسئولیت‌پذیری برای تصمیم‌های شخصی، غیرحلال‌خواری و قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران، غیرحلال‌خواری و اهمیت خودجوش به دیگران، غیرحلال‌خواری و توانایی در بخشش اشتباه‌های دیگران و غیرحلال‌خواری و وجدانی بودن در شرکت‌کنندگان بود. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون به روش هم‌زمان نشان داد که از میان متغیرهای وابسته، وجدانی بودن، پافشاری بر حق و توانایی در بخشش اشتباه‌های دیگران و خودکنترلی از سوی متغیر غیرحلال‌خواری قابل پیش‌بینی هستند. **واژگان کلیدی:** غیرحلال‌خواری، خودکنترلی، جایگاه مهار، هوش اخلاقی، وجدانی بودن.

* دکترای حرفه‌ای پزشکی، ام‌پی‌اچ، دکترای تخصصی روان‌شناسی، استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز ایران

sayedalimarashi1397@gmail.com
sayedalimarashi@scu.ac.ir

تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۷/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲

مقدمه

طبق قوانین اسلامی، یکی از دغدغه‌های مهم مسلمانان، مصرف مواد غذایی حلال^۱ است. در حال حاضر، تولید غذای حلال و بازار محصولات غذایی و آشامیدنی به سرعت در حال رشد است و پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۱۸ رشد ۱/۶ درصد در آمریکا و ۱۷/۴ درصدی در فروشگاه‌های سراسر جهان را داشته باشد (رویتر، ۲۰۱۵، ص ۱-۲۲۰). قرآن کریم، انواع غذاها را که برای جسم و روح انسان مفید بوده، ذائقه او را نیز ارضا می‌کند، حلال شمرده و از طرفی، انسان را از خوردن غذاهای مضر و پلید نهی کرده است. ممنوعیت غذاهای غیر بهداشتی و تفرآمیز یکی از خدمات ادیان الهی به بشریت است (خطاک^۲ و همکاران، ۲۰۱۱، ص ۳۸۹-۳۵۸).

از آنجا که مصرف مواد غذایی حلال سلامتی را بهبود بخشیده و رفتار انسان را تقویت می‌کند (فدزلیلاه، چمنی، جمال‌الدین، رحمان و الکھتانی، ۲۰۱۱، ص ۱۵۹-۱۶۳)، موضوع غذای حلال اهمیت دو چندان پیدا می‌کند. بر پایه متون دینی که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد، انتظار داریم مصرف‌کنندگان غذاهای حلال و غیر حلال، از نظر برخی ویژگی‌های شخصیتی، تفاوت‌های مهمی داشته باشند.

تأثیرات روانی-رفتاری غذای حلال از دیدگاه متون اسلامی

متون اسلامی میان غذای حلال و رفتارهای مطلوب و شایسته، ارتباط قائل شده‌اند. این موضوع را از بسیاری از آیات قرآن می‌توان استنباط کرد. خداوند متعال در آیه ۱۶۸ سوره بقره فرموده است: «ای مردم، از آنچه در زمین است بهره‌برید که خدا آن را برای شما حلال و پاکیزه ساخته است و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است». همچنین خداوند در آیه ۵۱ سوره مؤمنون فرمود: «از غذاهای پاکیزه بخورید و اعمال شایسته انجام دهید». اصحاب کهف نیز که دغدغه سلامت دین و معنوی خود را داشتند، وقتی از خواب چندین ساله بیدار شدند، به دنبال غذائی بودند که پاک و سبب خاموش شدن نورالهی در وجودشان نگردد؛ از این رو، به شخصی از میان خودشان که بنا بود برایشان غذا فراهم کند یادآوری کردند که: «ببیند چه غذائی پاکیزه‌تر و حلال‌تر است تا از آن برایتان بیاورد» (کهف، ۱۹).

ظاهراً حرام شدن شیر دایه‌ها و زنان شیرده بر حضرت موسی به دلیل تأثیرگذاری آن شیرها

1. halal food

2. Reuters

3. Khattak

4. Fadzlillah, Che Man, Jamaludin, Rahman, & Al-Kahtani

به‌عنوان غذا، بر روح و روان موسی علیه السلام بود: «و از پیش، شیر دایگان را بر او حرام گردانیده بودیم؛ پس [خواهرش آمد و] گفت: آیا شما را بر خانواده‌ای راهنمایی کنم که برای شما از وی سرپرستی کنند و خیرخواه او باشند» (قصص، ۱۲). از این رو، گویا اهمیت و تأثیرات مهم غذا بر انسان در زمره دلالتی است که سبب شده خداوند در قرآن کریم دستور دهد: «انسان باید به غذای خویش بنگرد [تا بداند چه می‌خورد]» (عبس، ۲۴).

در روایات اسلامی نیز لقمه حرام دارای آثار روانی و رفتاری دانسته شده و در مقابل تأکیدها و آثاری برای لقمه حلال ذکر شده است که نمونه‌های مهمی از آنها ذکر می‌شود. از جمله می‌توان به سخن امام حسین علیه السلام در روز عاشورا خطاب به لشکر عمر بن سعد اشاره کرد که علت کژرفتاری و ذنبت نادرست آنان را غذای حرام دانستند و فرمودند: شکم‌هایتان از حرام پر شده به همین سبب بر دل‌هایتان (ذهن‌هایتان) مهر زده شده و درک شما دچار مشکل شده است. شما باید قاتلان فرزندان پیامبران و نابودکنندگان عترت اوصیا (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۸).

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: لقمه حرام، ایمان را از انسان سلب می‌کند (به نقل از عینائی، ۱۳۸۴، ص ۳۳۸). همچنین، آن حضرت فرمود: کسی که چهل روز خورد و خوراکش از راه حلال باشد، خداوند دل او را نورانی می‌کند (به نقل از مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۶). همان‌گونه که مشاهده می‌شود در روایات یادشده، برای لقمه حرام آثار روان‌شناختی ذکر شده است.

در مقابل در روایات، لقمه حلال نیز دارای آثار روانی و رفتاری برخلاف لقمه حرام دانسته شده است. امام علی علیه السلام فرمود: صفا و نورانیت قلب، نتیجه لقمه حلال است (به نقل از طبرسی، ۱۳۸۴، ص ۸۰). پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز فرمود: خوشا به حال کسی که در آمدش حلال، باطنش پاک، ظاهرش باکرامت، و اذیت و آزارش به احدی از خلق الله نمی‌رسد (به نقل از قضاعی، ۱۳۶۱، ص ۴۷). امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: به هوش باش! روزی را از راه حلال به دست آور و با اهل و عیال به نکویی رفتار کن و در هر حال در ذکر و به یاد خدا باش (به نقل از آمدی، ۱۴۲۹ق، ص ۴۴۵). همچنین آن حضرت فرمود: خوشا به حال کسی که نزد خود فروتن و متواضع، و در آمدش طیب و طاهر باشد (به نقل از مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲). امام جعفر صادق علیه السلام نیز فرمود: هیچ‌گاه از به دست آوردن روزی حلال روگردان مباش. مال حلال یاور و معین تو در حفظ دین و ایمان توست (به نقل از حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷، ص ۳۴). ایشان همچنین فرمود: کسی که خواهان اندوختن مال از راه حلال و مشروع نباشد که با آن آبروی خود را حفظ و بدهی خود را ادا کند و از راه آن صله ارحامش را به جای آورد، هیچ خیر و امیدی در وجود او نیست (به نقل از کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۷۲). شاید بتوان از روایات یادشده، ملازمتی میان لقمه حلال و سلامت رفتاری را استنباط کرد.

در برخی روایات نیز حلال‌خواری و حرام‌خواری، تأثیرگذار در فرزندان دانسته شده‌اند: پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمودند: پاکیزه‌ترین خوراک انسان از راه درآمد و کسب (حلال) او است و بدانند که نسل و اولاد او نیز نتیجه همین کار و کسب او خواهند بود (به نقل از قضاعی، ۱۳۶۱، ج ۵، ص ۱۲۴). امام صادق علیه السلام نیز فرمود: درآمد حرام و نامشروع، اثرش در نسل و اولاد ظاهر می‌شود (به نقل از حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق).

علمای اسلام نیز به وفور درباره تأثیرات نفسانی لقمه حلال و حرام سخن گفته‌اند. برای مثال، نراقی (۱۳۷۹، ص ۴۴۰) مال حرام را از بزرگ‌ترین عوامل هلاکت انسان و مهم‌ترین موانع رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی معرفی کرده و چنین بیان می‌کند: «بیشتر کسانی که به هلاکت رسیده‌اند، به سبب خوردن مال حرام بوده و بیشتر مردمی که از فیوضات و سعادات محروم مانده‌اند، به واسطه آن است. کسی که تأمل کند، می‌داند که خوردن حرام، اعظم حجابی است بندگان را از وصول به درجه ابرار و قوی‌تر مانعی است برای اتصال به عالم انوار... آری، دلی که از لقمه حرام روئیده شده باشد کجا و قابلیت انوار عالم قدس کجا؟ و نطفه را که از مال مردم به هم رسیده باشد با مرتبه رفیعه اُنس با پروردگار چه کار؟ چگونه پرتو لمعات عالم نور، به دلی تابد که بخار غذای حرام، آن را تاریک کرده؟ و کی پاکیزگی و صفا از برای نفس حاصل می‌شود که کثافات مال مشتبه آن را آلوده و چرک نموده باشد؟».

بیان مسئله

آنچه انسان‌ها را قادر می‌سازد به دلیل قوانین و هنجارهای اجتماعی تجویز شده از سوی جامعه در برابر رفتارهای خودخواهانه مقاومت نمایند، «خودکنترلی» یا «خویش‌داری»^۱ است (باوئیستر، وحس و تیس،^۲ ۲۰۰۷، ص ۳۵۱-۳۵۵). خودکنترلی، یعنی آنکه فرد با وجود تمایل و برانگیختگی برای عمل، کنترل رفتارها، احساسات و غرایز خود را داشته باشد. یک فرد با خودکنترلی زیاد، زمانی را صرف فکر کردن به انتخاب‌ها و نتایج احتمالی می‌کند و سپس بهترین انتخاب را می‌کند (فریز و هافمن،^۳ ۲۰۱۰، ص ۷۹۵-۸۰۵). التفات و توجه به حرام و حلال و پرهیز از گناه، شیوه‌هایی هستند که فرد مسلمان را واجد خودکنترلی می‌سازند (ابطحی و خیراندیش، ۱۳۸۸، ص ۲۳-۲۸). آنچه در روان‌شناسی، «خودکنترلی» نامیده می‌شود در ادبیات اسلامی در مفهومی به نام «تقوا» مستتر است. هرچند تقوا افزون‌بر خودکنترلی، عنصر خداترسی

1. self.control

2. Baumeister, Vohs, & Tice

3. Friese & Hofmann

را نیز در دل خود دارد. با این حال، از دیدگاه دینی انتظار آن است که مصرف‌کنندگان غذای حلال بیش از دیگران موفق به رعایت تقوا بوده و از خودکنترلی بیشتری بهره‌مند باشند. پژوهش کنونی در پی بررسی علمی این موضوع است.

یکی از ویژگی‌های روان‌شناختی نزدیک به خودکنترلی، «جایگاه مهار درونی»^۱ یا «سبک اسناد درونی» است. کسی که جایگاه مهار درونی دارد، بر این باور است که بر روی حوادث و اتفاق‌های زندگی خود، کنترل دارد (کیسر، میچل، وینستین، و فرانک، ۲۰۱۵، ص ۴۵۴-۴۶۲). افراد دارای کانون کنترل بیرونی، عصبی، مملو از کینه، بی‌اعتماد و تحریک‌پذیر هستند، در حالی که افراد دارای کانون کنترل درونی، ویژگی‌های نسبتاً برعکس دارند. افزون‌بر این، راهبردهای تصمیم‌گیری نیز در آنها متفاوت‌اند، به گونه‌ای که افراد دارنده جایگاه مهار درونی، تمایل دارند راهبردهای خوب را حفظ کنند و راهبردهایی را که به شکست می‌انجامند، کنار بگذارند (مظاهری و حسینی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۵-۱۳۶). این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که آیا مصرف غذاهای حلال به تقویت جایگاه مهار درونی کمک می‌کند یا خیر؟

همچنین به نظر می‌رسد میان مصرف‌کنندگان غذاهای حلال با مصرف‌کنندگان غذاهای غیرحلال، از نظر سازه «هوش اخلاقی»^۳ نیز تفاوت وجود داشته باشد. این نوع هوش، نشان‌دهنده اشتیاق و توانایی فرد برای لحاظ کردن معیارهایی برتر و فراتر از منافع خود و حتی موضوعاتی نظیر اثربخشی در کانون واکنش‌های فردی است (بهشتی‌فر و نکویی مقدم، ۱۳۸۹، ص ۶۷-۷۳). براساس آموزه‌های دینی، انتظار آن است که مصرف‌کنندگان غذاهای حلال به تقویت هوش اخلاقی بینجامد که پژوهش حاضر درصدد بررسی علمی این موضوع است.

افزون‌بر این، به نظر می‌رسد ویژگی «وجدانی بودن»، از سویی بتواند رفتارهای مرتبط با مصرف غذاهای حلال را تحت تأثیر قرار دهد و هم از سوی دیگر از آن تأثیر بپذیرد. افراد با وجدان، قابل اعتماد (مسنول، دقیق و قابل اتکا)، کارا (با برنامه، منظم، وقت‌شناس و منضبط) و کوشا (سختکوش، مصر، پراورزی و توفیق‌طلب) هستند. آنها آماده‌اند در حل مشکلات، ابتکار به خرج دهند و کارشان را روش‌مند و تمام و کمال به انجام برسانند (بهبزادی، نعامی و بشلیده، ۱۳۹۴، ص ۶۳-۷۳). افزون‌بر این، افرادی که نمره پایینی در وجدانی بودن کسب می‌کنند، در به کارگیری اصول اخلاقی دقیق نبوده و تلاش چندانی برای رسیدن به اهداف خود انجام نمی‌دهند (پورصادق، ۱۳۹۱، ص ۷۷-۸۲). پژوهش کنونی به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا مصرف‌کنندگان غذاهای حلال به وجدانی بودن افراد کمک می‌کند؟

1. locus of control

2. Kayser, Mitchell, Weinstein, & Frank

3. moral intelligence

بحران اخلاقی جهانی و تبعات فاجعه‌بار آن و این ایده که غذای حلال قاعداً باید در بهبود وضعیت اخلاقی مردم جهان مؤثر باشد، انجام پژوهش حاضر را دارای اهمیت ویژه‌ای می‌کند. بنابراین، هدف این پژوهش بررسی مصرف غذای غیرحلال با خودکنترلی، جایگاه مهار درونی، هوش اخلاقی و وجدانی بودن، در کارکنان ادارات اهواز در سال ۱۳۹۶ است.

روش

طرح پژوهش کنونی، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری در این پژوهش شامل همه کارکنان شرکت ملی حفاری ایران، شرکت فولاد خوزستان، شرکت آب و برق خوزستان و همچنین شرکت آب و برق منطقه‌ای اهواز است. با توجه به حجم جامعه آماری، تعداد ۹۵۰ نفر، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از میان کارکنان این سازمان‌ها به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. از میان پرسش‌نامه‌های توزیع شده، ۶۴۷ پرسش‌نامه به پژوهشگران برگشت داده شد (نرخ بازگشت ۶۸/۱ درصد) و نمونه این تحقیق را تشکیل داد.

ابزار اندازه‌گیری

در پژوهش حاضر، به منظور اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش، از پرسش‌نامه‌های خودکنترلی، مقیاس سبک‌های اسناد (مهار درونی و بیرونی)، پرسش‌نامه صلاحیت اخلاقی، مقیاس وجدانی بودن و آزمون الگوی خوردن استفاده شد.

پرسش‌نامه خودکنترلی: در پژوهش حاضر، برای سنجش خودکنترلی از پرسش‌نامه‌ای که از سوی تانجی، بانمیستر و بون^۱ (۲۰۰۴) تهیه شده، استفاده شد. این پرسش‌نامه سیزده ماده دارد و پاسخ‌های آن براساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای از یک (برای کاملاً در مورد من اشتباه است) تا پنج (برای کاملاً در مورد من صادق است) نمره‌گذاری می‌شوند. همچنین نمره‌گذاری سؤالات ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۰، ۱۲ و ۱۳ به صورت معکوس است. تانجی و همکاران (۲۰۰۴) در پژوهش خود پایایی آن را در دو بار سنجش ۰/۸۷ و ضریب آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه را برابر با ۰/۸۳ به دست آوردند. در پژوهش سرافراز، قربانی و جواهری (۱۳۹۲) پایایی این پرسش‌نامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۰ به دست آمد.

مقیاس منبع کنترل: در پژوهش حاضر، برای سبک اسناد درونی، از مقیاس منبع کنترل که لونسون^۲ (۱۹۸۱) آن را تهیه کرده است، استفاده شد. این مقیاس، ۲۴ ماده و سه خرده‌مقیاس دارد

1. Tangney, Baumeister, & Boone

2. Levenson

که شامل سبک اسناد درونی (هشت ماده)، سبک اسناد بیرونی (هشت ماده) و شانس (هشت ماده) را اندازه‌گیری می‌کنند و پاسخ‌های آن، بر روی یک مقیاس لیکرت شش درجه‌ای، از ۳- (بسیار مخالفم) تا ۳+ (بسیار موافقم) نمره‌گذاری می‌شوند. لونسون (۱۹۸۱)، ضریب پایایی عامل درونی را با روش کودر ریچاردسون برابر با ۰/۶۴ و با روش دو نیمه کردن ۰/۶۲ و در دو بار اجرا، با فاصله زمانی هفت هفته، برابر با ۰/۶۶ به دست آورد و برای بررسی اعتبار همگرا، با مقیاس اسناد بیرونی راتر، همبستگی منفی ۰/۴۱ حاصل شد. در پژوهش فیاض، کاظمی، رئیسون و محمدی (۱۳۹۶) پایایی این مقیاس با روش ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۱ به دست آمده است.

پرسش‌نامه هوش اخلاقی: در پژوهش حاضر، برای سنجش صلاحیت اخلاقی، از پرسش‌نامه هوش اخلاقی که از سوی لنینک و کی‌یل^۱ (۲۰۰۵) تهیه شده است، استفاده شد. این پرسش‌نامه چهل ماده دارد و ده مؤلفه، عمل کردن مبتنی بر اصول، راستگویی، استقامت و پافشاری برای حق، پای‌بندی به عهد، مسئولیت‌پذیری برای تصمیم‌های شخصی، اقرار به اشتباه‌ها و شکست‌ها، قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران، اهمیت دادن خودجوش به دیگران، توانایی در بخشش اشتباه‌های خود و توانایی در بخشش اشتباه‌های دیگران را اندازه‌گیری می‌کند که در پژوهش حاضر، از ابتدا فقط از پنج مؤلفه استقامت و پافشاری برای حق، مسئولیت‌پذیری برای تصمیم‌های شخصی، قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران، اهمیت دادن خودجوش به دیگران و توانایی بخشش اشتباه‌های دیگران استفاده شد که برای هر مؤلفه چهار ماده در نظر گرفته شده است. همچنین پاسخ‌های این پرسش‌نامه براساس لیکرت پنج درجه‌ای از یک (برای هرگز) تا پنج (برای در همه مواقع) نمره‌گذاری می‌شوند. سیادت، مختاری‌پور و کاظمی (۱۳۸۸) پایایی مقیاس هوش اخلاقی را ۰/۹۴ گزارش کرده‌اند. در این پژوهش، تنها از پنج مؤلفه این مقیاس استفاده شده است. چند علت سبب شدند که محقق پنج مؤلفه دیگر را از پژوهش حذف کند: یک، اینکه سؤالات مربوط به این مؤلفه‌ها از نظر جمله‌بندی بسیار مستقیم بود و پژوهشگران احساس کردند که ممکن است آزمودنی‌ها به این سؤالات، پاسخ‌های سوگیرانه‌ای بدهند؛ دو، اینکه از لحاظ محتوایی به نظر می‌رسد که اغلب افراد خود را راستگو و امانت‌دار و خوش‌قول و معترف به اشتباه‌های خود می‌دانند و این موضوع تمایز میان افراد را با خطر مواجه می‌کند؛ سه، اینکه اشتراک مفهومی زیاد میان گویه‌های مؤلفه‌ها ایجاب می‌کرد که از تکرار مکررات اجتناب شود؛ چهار، اینکه لازم بود به علت تعدد پرسش‌نامه‌ها و زیاد بودن تعداد سؤالات، بخشی از گویه‌ها حذف شوند تا آزمودنی‌ها به سبب خستگی پاسخ‌های غیردقیق ندهند.

1. Lennik & Kiel

مقیاس وجدانی بودن: در پژوهش حاضر، برای سنجش وجدانی بودن، از پرسش‌نامه شخصیتی نئو فرم کوتاه که از سوی مک‌کری و کاستا^۱ (۱۹۸۵) تهیه شده، استفاده شد. این پرسش‌نامه که دارای شصت ماده است، پنج مؤلفه روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، توافق‌جویی، باز بودن به تجربه و وجدانی بودن را سنجیده است که برای هر یک از خرده‌مقیاس‌ها دوازده ماده در نظر گرفته شده است و پاسخ‌های آن براساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای از یک (برای کاملاً مخالفم) تا پنج (برای کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. مک‌کری و کاستا (۲۰۰۴) در پژوهش خود، ضریب پایایی این پرسش‌نامه را برای روان‌رنجورخویی ۰/۸۳، برون‌گرایی ۰/۷۵، باز بودن به تجربه ۰/۸، توافق‌جویی ۰/۷۹ و وظیفه‌شناسی ۰/۷۹ به دست آوردند. فرهادی‌نژاد (۱۳۹۴) در پژوهش خود، ضریب پایایی این پرسش‌نامه را از طریق روش آلفای کرونباخ برای ویژگی روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، باز بودن به تجربه، توافق‌جویی و وظیفه‌شناسی، در دانشجویان پزشکی به ترتیب ۰/۷۴۹، ۰/۷۶۷، ۰/۷۵۹، ۰/۷۳۹ و ۰/۷۴۷، و در دانشجویان غیرپزشکی به ترتیب ضرایب ۰/۸۰۷، ۰/۷۵۰، ۰/۸۶۹، ۰/۷۲۴ و ۰/۷۱۱، و برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ضرایب ۰/۷۹۰، ۰/۷۵۸، ۰/۸۴۶، ۰/۷۳۵ و ۰/۷۲۹ گزارش کرده است.

مقیاس محقق‌ساخته الگوی خوردن: برای سنجش الگوی خوردن آزمودنی‌ها، از پرسش‌نامه محقق‌ساخته الگوی خوردن استفاده شد. این مقیاس حاوی یازده ماده است که دو مؤلفه غیرحلال خواری (چهار سؤال) و شکم‌بارگی (هفت سؤال) را می‌سنجد. پاسخ به سؤالات براساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای از یک (کاملاً مخالفم) تا پنج (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. به منظور بررسی اعتبار آزمون الگوی خوردن، در ابتدا بر روی ماده‌ها (محقق‌ساخته) تحلیل عامل اکتشافی انجام گرفت. در مرحله اول، برای سنجش کفایت نمونه‌گیری آزمون کایسر-مایر-الکین (KMO) استفاده شد. در صورت معنادار بودن این آزمون، محقق، از کافی بودن حجم نمونه مطمئن می‌شود. همچنین این آزمون نشانگر آن است که همبستگی میان زوج متغیرها را نمی‌توان از طریق دیگر متغیرها، تبیین کرد. به سخن دیگر، آزمون KMO این سؤال را بررسی می‌کند که آیا میزان همبستگی میان متغیرها کوچک است یا خیر؟ سرنی و کایسر^۲ (۱۹۷۷) معتقدند هراندازه مقدار KMO بیشتر از ۰/۶ باشد، اجرای تحلیل عاملی بدون مانع خواهد بود و هرچه این مقدار بیشتر باشد، مناسب و کفایت نمونه‌گیری بیشتر خواهد بود. بنابراین مقدار KMO در این پژوهش برابر با ۰/۷۷ بود که بیانگر کفایت نمونه‌برداری در حد کاملاً مطلوبی است.

1. McCrae & Costa

2. Cerny & Kaiser

در دومین گام از تحلیل عاملی، برای شناسایی عوامل آزمون الگوی خوردن، در نمونه مورد تحقیق، هجده ماده پرسش نامه نهائی به شیوه تحلیل عامل محوره‌های اصلی با استفاده از چرخش آزمایشی از نوع واریماکس و همچنین با به‌کارگیری آزمون نرمال‌سازی کایسر و با تعیین نقطه برش یا بار عاملی حداقل ۰/۴۵، تحلیل عاملی شد. همان‌گونه که بریسلین، لونر و ثرن‌دایک^۱ (۱۹۷۳) اظهار می‌دارند، در انتخاب تعداد عامل‌های یک مقیاس، افزون‌بر در نظر گرفتن ملاک ارزش ویژه، تا حدودی بستگی به نظر پژوهشگر دارد و نمی‌توان هیچ نوع روش قطعی برای انتخاب تعداد عامل‌ها، تعیین کرد. از این‌رو، در این پژوهش پس از بررسی‌های بسیار بر ساختارهای عاملی، در نهایت دو عامل با توجه به دسته‌بندی مناسب ماده‌ها در عامل‌ها، انتخاب شدند. سرانجام در ساختار دو عاملی، با استفاده از آزمون نرمال‌سازی کایسر و با دو چرخش آزمایشی، بار عاملی هر ماده مشخص شد. تحلیل داده‌ها با روش چرخش متعامد، به قرار گرفتن هفت ماده روی عامل اول و چهار ماده روی عامل دوم منجر شد. با توجه به ماده‌های قرار گرفته بر روی دو عامل، عامل اول، شکم‌بارگی و عامل دوم، غیرحلال‌خواری نام‌گذاری شدند. گفتنی است که هفت ماده دیگر با توجه به نقطه برش کمتر از ۰/۴۵، جذب هیچ‌کدام از ساختارهای عاملی نشدند و سرانجام از مقیاس حذف شدند.

به منظور بررسی اعتبار آزمون الگوی خوردن، افزون‌بر روش تحلیل عامل اکتشافی، از روش اعتبار سازه‌ای استفاده شد. نخست، یک تحلیل عوامل تأییدی با استفاده از نرم‌افزار (AMOS) روی ماده‌های این پرسش‌نامه انجام شد. برای انجام این تحلیل، از برآورد حداکثر درست‌نمایی استفاده شد و مدل دو عاملی آزمون شد. مقادیر (IFI=۰/۹۵)، (CFI=۰/۹۵) و (RMSEA=۰/۰۷) در مدل دو عاملی به دست آمدند که به ملاک‌های برازندگی نزدیک هستند. مقدار مجدور خی نسبی در مدل دو عاملی (۳/۹۲)، اگرچه با ملاک سرانگشتی دو فاصله دارد، اما با توجه به اینکه شاخص‌های برازش دیگر نسبتاً مطلوب هستند، می‌توان اظهار داشت که مدل با داده‌ها برازش دارد. افزون‌بر این، در پژوهش حاضر جهت محاسبه میزان ضریب پایایی آزمون الگوی خوردن از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب شکم‌بارگی ۰/۷۸ و ضریب غیرحلال‌خواری ۰/۸۴ به دست آمد.

یافته‌ها

در جدول شماره ۱، میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره متغیرهای پژوهش گزارش شده است.

1. Brislin, Lonner & Thorndike

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر متغیرهای پژوهش حاضر

شاخص‌های آماری متغیرها	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره	کجی	کشیدگی
سبک اسناد درونی	۳۵/۹۷	۵/۳۷	۲۰	۵۰	-۰/۰۴	۰/۰۳
وجدانی بودن	۳۵/۴۵	۴/۱۸	۲۱	۴۵	-۰/۳۳	۰/۰۷
خودکنترلی	۲۴/۷۴	۵/۰۱	۱۰	۴۰/۶۷	-۰/۰۷	-۰/۲۴
صلاحیت اخلاقی	۷۵/۰۸	۸/۶۲	۳۳/۷۹	۱۰۰	-۰/۵۳	۲/۳۰
استقامت و پافشاری برای حق	۱۳/۷۶	۲/۵۹	۴	۲۰	-۰/۱۵	۰/۳۳
مسئولیت‌پذیری برای تصمیم‌های شخصی	۱۴/۷۹	۲/۲۰	۵	۲۰/۰۶	-۰/۳۵	۱/۲۴
قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران	۱۵/۱۸	۲/۴۳	۵	۲۰	-۰/۴۲	۰/۹۵
اهمیت خودجوش به دیگران	۱۵/۵۱	۲/۴۰	۵	۲۰/۳۴	-۰/۷۸	۲/۰۳
توانایی بخشش اشتباه‌های دیگران	۱۵/۸۳	۲/۲۷	۴	۲۰	-۰/۷۹	۲/۵۱
شکم‌بارگی	۱۷/۸۰	۴/۷۴	۷	۳۵	-۰/۳۳	۰/۰۷
غیرحلال‌خواری	۹/۱۷	۲/۹۱	۵	۲۰	۱/۶۲	۴/۱۷

همان‌گونه که نتایج جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، میانگین و انحراف معیار آزمودنی‌های کل نمونه (۶۴۷) به ترتیب در متغیرهای سبک اسناد درونی (۵/۳۷ و ۳۵/۹۷)، وجدانی بودن (۴/۱۸) و خودکنترلی (۵/۰۱ و ۲۴/۷۴)، صلاحیت اخلاقی (۸/۶۲ و ۷۵/۰۸)، استقامت و پافشاری برای حق (۲/۵۹ و ۱۳/۷۶)، مسئولیت‌پذیری برای تصمیم‌های شخصی (۲/۲۰ و ۱۴/۷۹)، قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران (۲/۴۳ و ۱۵/۱۸)، اهمیت خودجوش به دیگران (۲/۴۰ و ۱۵/۵۱)، توانایی بخشش اشتباه‌های دیگران (۲/۲۷ و ۱۵/۸۳)، شکم‌بارگی (۴/۷۴ و ۱۷/۸۰) و غیرحلال‌خواری (۲/۹۱ و ۹/۱۷) است. جدول شماره ۲ ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲: ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش در کارکنان سازمان‌ها و شرکت‌های شهرستان اهواز

ردیف	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	سبک اسناد درونی	-								
۲	وجدانی بودن	۰/۴۲**	-							
۳	خودکنترلی	۰/۱۳**	۰/۵۴**	-						
۴	صلاحیت اخلاقی	۰/۴۱**	۰/۶۰**	۰/۲۴**	-					
۵	استقامت و پافشاری برای حق	۰/۳۳**	۰/۳۳**	۰/۱۳**	۰/۶۲**	-				
۶	مسئولیت‌پذیری برای تصمیم‌های شخصی	۰/۲۱**	۰/۲۸**	۰/۱۴**	۰/۶۸**	۰/۲۷**	-			
۷	قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران	۰/۳۱**	۰/۴۹**	۰/۲۰**	۰/۲۶۹**	۰/۳۷**	۰/۳۷**	-		
۸	اهمیت خودجوش به دیگران	۰/۳۳**	۰/۵۰**	۰/۲۰**	۰/۳۳۳**	۰/۳۰**	۰/۴۸**	۰/۱۴۴**	-	
۹	توانایی بخشش اشتباه‌های دیگران	۰/۲۷**	۰/۴۶**	۰/۲۰**	۰/۴۷۰**	۰/۲۶**	۰/۴۲**	۰/۱۹۸**	۰/۳۴۱**	-
۱۰	شکم‌بارگی	۰/۰۶	۰/۲۲**	۰/۲۸**	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۱	۰/۰۹	۰/۰۲	۰/۰۹

* $p \leq 0/05$ ** $p \leq 0/01$

همان‌گونه که نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، روابط همبستگی میان غیرحلال‌خواری و سبک اسناد درونی ($r = -0/08$, $p < 0/05$)، غیرحلال‌خواری و وجدانی بودن ($r = -0/21$)، غیرحلال‌خواری و خودکنترلی ($r = -0/18$, $p < 0/01$)، غیرحلال‌خواری و صلاحیت اخلاقی ($r = -0/08$, $p < 0/05$)، غیرحلال‌خواری و استقامت و پافشاری بر حق ($r = 0/07$)، غیرحلال‌خواری و مسئولیت‌پذیری برای تصمیم‌های شخصی ($r = -0/02$, $p < 0/05$)، غیرحلال‌خواری و قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران ($r = -0/09$, $p < 0/05$)، غیرحلال‌خواری و اهمیت خودجوش به دیگران ($r = -0/11$, $p < 0/05$) و غیرحلال‌خواری و توانایی بخشش اشتباه‌های دیگران ($r = -0/14$, $p < 0/05$) محاسبه شدند. به جز دو فرضیه ارتباط میان غیرحلال‌خواری با استقامت و پافشاری برای حق و ارتباط میان غیرحلال‌خواری با مسئولیت‌پذیری برای تصمیم‌های شخصی، تمام فرضیه‌های دیگر از لحاظ آماری تأیید شده‌اند. در این پژوهش، از آنجا که متغیر مستقل تنها یک متغیر (غیرحلال‌خواری) است و متغیرهای وابسته چندین متغیر هستند، علی‌الاصول نمی‌توان از رگرسیون خطی و معادله پیش‌بین آن سود جست. تنها کاری که می‌توان کرد این است که با درجه‌ای از اغماض به‌گونه غیرمستقیم میزان ارتباط چندگانه را محاسبه کرد، اما تفسیر نتایج را به صورت وارونه انجام داد. به سخن دیگر، متغیر مستقل به‌عنوان وابسته و متغیرهای وابسته به صورت مستقل وارد معادله می‌شوند و سپس میزان واریانس تبیین‌شده، محاسبه می‌شود. سرانجام می‌توان گفت که متغیر مستقل، قادر خواهد بود چقدر از واریانس متغیرهای وابسته را تبیین کند. در جدول شماره ۳ نتایج تحلیل رگرسیون به روش ورود هم‌زمان ارائه می‌شوند.

جدول ۳: ضرایب همبستگی چندگانه متغیرهای وابسته با متغیر مستقل با روش ورود هم‌زمان (enter) در کارکنان سازمان‌ها و شرکت‌های شهرستان اهواز

p	T	Beta	SE	B	p	F	ADJR ²	R ²	R	متغیرهای پیش‌بین
0/291	-0/55	-0/024	0/024	-0/013	0/000	6/920	0/068	0/08	0/283	سبک اسناد درونی
0/001	-3/174	-0/182	0/04	-0/126						وجدانی بودن
0/000	3/782	0/162	0/181	0/181						پافشاری بر حق
0/057	1/583	0/071	0/059	0/094						مسئولیت‌پذیری برای تصمیم‌های شخصی
0/403	-0/245	-0/012	0/059	-0/014						قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران
0/39	-0/279	-0/015	0/065	-0/018						اهمیت خودجوش به دیگران
0/027	-1/923	-0/096	0/064	-0/123						توانایی بخشش اشتباه‌های دیگران
0/042	-1/739	-0/079	0/027	-0/046						خودکنترلی

* با توجه به آزمون یک‌سویه، معناداری رابطه متغیرهای مستقل با وابسته، به شرح مندرج در جدول شماره ۳ است.

همان‌گونه که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی چندگانه برای ترکیب خطی متغیرهای وابسته با متغیر مستقل برای کارکنان $R=0/283$ ، میزان مجذور همبستگی میان متغیرهای مستقل و وابسته $R^2=0/08$ و میزان مجذور همبستگی تعدیل شده $ADJ.R^2=0/068$ است که با $F=6/92$ در سطح $p<0/001$ معنادار است. چنان‌که ملاحظه می‌شود، مقدار ضریب همبستگی چندگانه ($R=0/283$) از مقدار رابطه ساده هر یک از متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک بیشتر است. به علاوه، تحلیل رگرسیون به روش ورود هم‌زمان، با توجه به آزمون یک‌سویه معناداری رابطه متغیرهای مستقل با وابسته نشان می‌دهند که از میان متغیرهای پیش‌بین، وجدانی بودن، پافشاری بر حق و توانایی بخشش اشتباه‌های دیگران و خودکنترلی، به صورت معنادار متغیرهای پیش‌بین متغیر غیرحلال‌خواری هستند. گفتنی است که ضریب رگرسیونی استقامت و پافشاری بر حق، برخلاف انتظار، مثبت است؛ هر چند همبستگی ساده میان این دو متغیر هم مثبت بود، اما ضریب رگرسیونی در معادله، افزایش چشمگیری پیدا کرده است. این تغییر می‌تواند ناشی از تعامل متغیرهای دیگر در معادله باشد. تحلیل‌های اکتشافی دیگر نشان می‌دهند که این اثر تعاملی مربوط به متغیر وجدانی بودن است. به سخن دیگر، در صورتی که پافشاری بر حق، آمیخته با صفت انسانی وجدانی بودن، نباشد، این رابطه غیرمنتظره حاصل می‌شود. به سخن دیگر، به احتمال، پافشاری برحق خود و نه حق دیگران و گذشت نداشتن، از نتایج غیرحلال‌خواری است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش ما بررسی مصرف غذای غیرحلال با خودکنترلی، جایگاه مهار درونی، هوش اخلاقی و وجدانی بودن، در کارکنان ادارات اهواز در سال ۱۳۹۶ بود. نتایج این پژوهش نشان دادند که میان غیرحلال‌خوری با «سبک اسناد درونی»، همبستگی منفی وجود دارد. به سخن دیگر، افراد غیرحلال‌خوار «مهار درونی» کمتری داشته و کمتر اعتقاد دارند که مسئول اعمال خویش‌اند؛ گرچه پژوهشی که ارتباط غذای حلال و غیرحلال را با جایگاه مهار (سبک اسناد) بررسی کند، یافت نشد، اما در خصوص مصرف الکل، این یافته در پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش‌های سینگ و سینگ^۱ (۲۰۱۱)، پاریک و رانجان^۲ (۲۰۱۵)، ریتاریک، ورسیلجا و نیشویچ^۳ (۲۰۱۵) و مادوری^۴ (۲۰۱۲) که درباره تفاوت‌های مصرف‌کنندگان الکل و غیرالکلی‌ها انجام شده‌اند، همسوست.

1. Singh & Singh
2. Pareek & Ranjan
3. Rihtaric, Vrselja, & Nisevic
4. Madhuri

کانون کنترل را می‌توان به‌عنوان صفتی همبسته با انگیزش درونی فرد برای تلاش در نظر گرفت. افرادی که کنترل درونی دارند، ارتباط میان رفتار و پیامدهای آن را درک می‌کنند و باور دارند که می‌توانند بر محیط خود تأثیر بگذارند (راتر،^۱ ۱۹۶۶). با توجه به تأیید این فرضیه، به نظر می‌رسد از جمله آثار وضعی و طبیعی مصرف غذای غیرحلال، زمینه‌سازی برای ایجاد سبک اسناد بیرونی (مهار بیرونی) باشد. با این تقریر، غیرحلال‌خواران کمتر مسئولیت‌پذیر بوده و خود را مسئول اعمالشان می‌دانند و این یافته با متن آیات قرآن و روایات اسلامی سازگار است. برای مثال، رفتار غیرمسئولانه لشکریان عمر بن سعد در کربلا، از سوی امام حسین علیه السلام به حرام‌خواری نسبت داده شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، ص ۸). ممکن است گفته شود شاید سبک اسناد بیرونی (مهار بیرونی) است که سبب غیرحلال‌خواری شده و نه به‌عکس؛ اما باید توجه داشت که ممکن است شمار درخور ملاحظه‌ای از افراد غیر حلال‌خوار، به دلیل اعتقاد نداشتن به موازین شرعی یا بی‌اطلاعی از این موازین، مبادرت به غیرحلال‌خواری کرده باشند و به عبارتی، غیرحلال‌خواری را رفتاری مذموم تلقی نکرده باشند. در این صورت، مهار بیرونی (سبک اسناد بیرونی) نبوده که سبب غیرحلال‌خواری شده است. با این تقریر، همبستگی منفی میان مهار درونی و غیرحلال‌خواری بیشتر با این تبیین سازگار است که غیرحلال‌خواری زمینه‌ساز مهار بیرونی است.

همچنین نتایج، نشان‌دهنده رابطه منفی میان غیرحلال‌خواری با ویژگی شخصیتی وجدانی بودن (وظیفه‌شناسی) در آزمودنی‌ها و به احتمال، نقش غیرحلال‌خواری در وجدانی نبودن است. گرچه پژوهشی که ارتباط غذای حلال و غیرحلال را با وجدانی بودن (وظیفه‌شناسی) بررسی کند، یافت نشد، اما درباره مصرف الکل این یافته در پژوهش حاضر با نظر سادوک و سادوک^۲ (۲۰۱۰) و همچنین با نتایج پژوهش ریتاریک و همکاران (۲۰۱۵)، مادوری (۲۰۱۲)، سینگ و سینگ (۲۰۱۱)، پاریک و رانجان (۲۰۱۵)، مک‌کلند و تپلین^۳ (۲۰۰۱)، به نقل از جولیان، آدوکات و کوماتی، ترجمه ابراهیم‌زاده، ثمری، جهانیان، تاجری و جزایری، ۱۳۸۹) همسوست.

همچنین بوشمن و کوپر^۴ (۱۹۹۰) در یک مطالعه فراتحلیل‌گری بر روی سی پژوهش تجربی نشان دادند که الکل واقعاً در ایجاد پرخاشگری مؤثر است. عامل وجدانی بودن، رضایت شغلی، درآمد بالا و مقام شغلی بالاتر را پیش‌بینی می‌کند. کارکنان وظیفه‌شناس موفق‌تر بوده، اهداف بالاتری را تحصیل می‌کنند، از سوی مدیران خود، بهتر ارزیابی می‌شوند و از نظر حضور در محل

1. Rotter

2. Sadock & Sadock

3. McClelland & Typlin

4. Bushman & Cooper

کار سابقه بهتری دارند (به نقل از پالاهنگ، نشاطدوست و مولوی، ۱۳۸۸، ص ۴۳-۶۱). همچنین این افراد، بر خود تسلط دارند و درگیری‌های پدید آمده در روابط را بهتر حل و فصل می‌کنند. آنها به اصول پای‌بند هستند و برای اهدافشان می‌کوشند (زره‌پوش، کجیاف، حشمتی‌فر، صادقی و امید، ۱۳۹۳، ص ۶۸-۷۶).

با توجه به تأیید این فرضیه ممکن است دو نوع تبیین را محتمل بدانیم؛ نخست، آنکه وظیفه‌شناسی ضعیف، موجب غیرحلال‌خواری شده باشد و دوم، اینکه به عکس، غیرحلال‌خواری سبب تضعیف وظیفه‌شناسی شده باشد. ولی به دلالتی، تبیین دوم منطقی‌تر است؛ زیرا چه بسا شمار درخور توجهی از افراد غیرحلال‌خوار از ابتدا به لحاظ اعتقاد نداشتن به حدود شرعی اسلام، یا ندانستن موازین شرعی، یا ندانستن اهمیت این موازین، مبادرت به غیرحلال‌خواری کرده باشند و نه به لحاظ وظیفه‌شناسی ابتدائی. افزون‌بر این، چه بسا شماری از کسانی که حلال می‌خورند، نه به دلیل احساس وظیفه چنین می‌کنند، بلکه به دلیل دسترسی نداشتن به خوردنی‌های غیرحلال این‌گونه‌اند. همچنین این تبیین که غیرحلال‌خواری باعث وجدانی نبودن می‌شود، با مبانی نظری پژوهش، یعنی متن آیات قرآن و روایات اسلامی سازگار است. برای مثال، خداوند در قرآن کریم فرمود: «از غذاهای پاکیزه بخورید و اعمال شایسته انجام دهید»^۱. همچنین امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: «به هوش باش! روزی را از راه حلال به دست آور و با اهل و عیال به نکویی رفتار کن و در هر حال در ذکر و به یاد خدا باش» (به نقل از آمدی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۴۴۵).

همچنین نتایج نشان‌دهنده رابطه مثبت میان غیرحلال‌خواری با عامل «پافشاری بر حق» در آزمودنی‌ها هستند. این یافته گرچه غیرمنتظره است، اما تحلیل‌های اکتشافی دیگر نشان می‌دهند که این اثر تعاملی مربوط به متغیر وجدانی بودن است. به سخن دیگر، در صورتی که پافشاری بر حق، آمیخته با صفت انسانی وجدانی بودن نباشد، این رابطه غیرمنتظره حاصل می‌شود. به بیان بهتر، به احتمال پافشاری بر حق خود و نه حق دیگران و گذشت نکردن، از نتایج غیرحلال‌خواری‌اند. گرچه پژوهشی که ارتباط غذای حلال و غیرحلال را با پافشاری بر حق بررسی کند، یافت نشد، اما این نتیجه‌گیری با یافته بعدی پژوهش (رابطه منفی غیرحلال‌خواری با توانایی بخشش اشتباه‌های دیگران) همسوست.

همان‌گونه که بیان شد، نتایج نشان‌دهنده رابطه منفی میان غیرحلال‌خواری با عامل «توانایی بخشش اشتباه‌های دیگران» هستند. گرچه پژوهشی که ارتباط غذای حلال و غیرحلال را با توانایی بخشش اشتباه‌های دیگران بررسی کند، یافت نشد، اما این نتیجه‌گیری با دیگر یافته‌های پژوهش

همسو و درخور توجیه است. برای مثال، دیدیم که غیرحلال‌خوارها، جایگاه مهار درونی کمتری دارند و مشکلات را بیشتر اسناد بیرونی می‌دهند. به سخن دیگر، آنها کمتر خود را مقصر می‌دانند. در چنین وضعیتی انتظار آن است که غیرحلال‌خوارها تقصیر بیشتری برای دیگران قائل شوند و همین، سبب کاهش توانایی آنها برای بخشش دیگران شود. پایین‌تر بودن خودکنترلی در این افراد که از یافته‌های بعدی این پژوهش است، ممکن است به این موضوع بی‌ارتباط نباشد؛ زیرا برای بخشش دیگران باید بتوان بر خود تسلط بیشتری داشت. همچنین بیشتر پافشاری کردن آنها بر حق خود، سبب می‌شود که گذشت، برای آنان سخت باشد.

همچنین یافته‌های این پژوهش وجود رابطه منفی غیرحلال‌خواری با «خودکنترلی» آزمودنی‌ها و به احتمال، نقش منفی غیرحلال‌خواری در خودکنترلی را تأیید کرد. به سخن دیگر افراد غیرحلال‌خوار به علت خودکنترلی کمتر رفتارهای تکانشی بیشتری از خود بروز می‌دهند. از جمله رفتارهای تکانشی، پرخاشگری‌های کنترل نشده است. گرچه پژوهشی که ارتباط غذای حلال و غیرحلال را با وجدانی بودن (وظیفه‌شناسی) بررسی کند، یافت نشد، اما درباره مصرف الکل، این یافته در پژوهش حاضر با نظر سادوک و سادوک (۲۰۱۰) و همچنین با نتایج پژوهش ریتاریک و همکاران (۲۰۱۵)، مادوری (۲۰۱۲)، سینگ و سینگ (۲۰۱۱)، پاریک و رانجان (۲۰۱۵)، مک‌کلند و تپلین (۲۰۰۱)، به نقل از جولیان و همکاران، ترجمه ابراهیم‌زاده و همکاران، (۱۳۸۹) همسوست. همان‌گونه که در گزارش مک‌کلند و تپلین (۲۰۰۱)، به نقل از جولیان و همکاران، ترجمه ابراهیم‌زاده و همکاران، (۱۳۸۹) آمده است، الکل در نیمی از همه قتل‌ها و تجاوزها در آمریکا نقش دارد. شیوع خشونت‌های خانگی برضد زنان، کودک‌آزاری، غفلت از کودکان، اختلاف‌ها و نارضایتی‌های زناشویی و همچنین خودکشی در صورت مصرف الکل، بالاست (سادوک و سادوک، ۲۰۱۰). در مبانی و اصول اعتقادی دین اسلام زمینه‌ها و ظرفیت‌هایی وجود دارند که در تحقق مفهوم خودکنترلی، بسیار مؤثرند. خودکنترلی از کارکردهای لوب پری‌فرونتال مغز است که یکی از نقش‌های آن بازداری رفتاری است. الکل، به علت افزایش حساسیت گیرنده‌های مهاری گابا^۱ مناطقی از مغز از جمله لوب پری‌فرونتال را مهار کرده و موجب بازداری‌زدایی می‌شود. همچنین الکل، توان کنترل تکانه‌های جنسی را از میان می‌برد و به رفتارهای پرخطر جنسی منجر می‌شود (سایمونز، مایستو و ری، ۲۰۱۰^۲، ص ۵۳۳-۵۳۶).

با توجه به تأیید این فرضیه ممکن است دو تبیین مختلف در نظر گرفته شوند؛ نخست، اینکه افرادی که خودکنترلی کمتری دارند، بیشتر مبادرت به غیرحلال‌خواری می‌کنند و دوم، اینکه

1. GABA

2. Simons, Maisto, & Wray

غیرحلال خواری زمینه‌ساز کاهش خودکنترلی شده باشد. اما با توجه به اینکه ممکن است شمار بسیاری از افراد غیرحلال‌خوار بدواً به لحاظ اعتقاد نداشتن به موازین شرعی یا اطلاع نداشتن از آنها غیرحلال‌خواری کرده باشند، تبیین دوم معقول‌تر به نظر می‌رسد. افزون‌بر این، چه بسا برخی از کسانی که غیرحلال‌خواری نمی‌کنند، نه به دلیل احساس وظیفه، بلکه به دلیل دسترسی نداشتن به این خوردنی‌ها باشد. بدین سبب و همچنین با توجه به متن آیات قرآن و روایات اسلامی، تبیین دوم معقول‌تر است. برای مثال، خداوند در آیه ۹۱ سوره مائده فرمود: «جز این نیست که شیطان می‌خواهد با شراب و قمار میان شما کینه و دشمنی افکند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد، آیا بس می‌کنید؟». از این‌رو، به نظر می‌رسد از جمله آثار وضعی و طبیعی مصرف غذای غیرحلال، زمینه‌سازی برای کاهش خودکنترلی و افزایش رفتارهای تکانشی و به عکس، التزام به مصرف غذای حلال، زمینه‌ساز افزایش خودکنترلی و کاهش رفتارهای تکانشی باشد؛ هرچند ممکن است میان این دو متغیر چرخه معیوبی نیز شکل بگیرد و هر دو یکدیگر را بدتر کنند.

افزون‌بر این، پژوهش حاضر نشان داد که مصرف غذای غیرحلال با «هوش اخلاقی» به‌طورکلی رابطه منفی دارد. گفتنی است که غیرحلال‌خوری با همه مؤلفه‌های هوش اخلاقی، به جز استقامت و پافشاری برای حق و مسئولیت‌پذیری برای تصمیم‌های شخصی، رابطه منفی داشت. به نظر می‌رسد وجود یک مؤلفه پرخاشگرانه در ذات پافشاری بر حق، موجب این رابطه مثبت و غیرقابل انتظار شده باشد. به سخن دیگر، افزون‌بر اینکه این فرضیه رد شده است، بلکه عکس آن تأیید شده است. همچنین، درباره «مسئولیت‌پذیری برای تصمیم‌های شخصی»، به نظر می‌رسد وجود مؤلفه‌های خودخواهانه در این متغیر که می‌تواند در همه افراد - چه حلال‌خوار و چه غیرحلال‌خوار - وجود داشته باشد، سبب معنادار نشدن رابطه غیرحلال‌خواری با این متغیر شده باشد. با توجه به اینکه قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران، یکی از مؤلفه‌های هوش اخلاقی است، این یافته با پژوهش سینگ و سینگ (۲۰۱۱) همسوست. آنها با مقایسه دو گروه افراد الکلی و غیرالکلی دریافتند که الکلی‌ها به نسبت بیشتر مهار بیرونی داشته و از این‌رو، مسئولیت‌پذیری کمتری دارند. سادوک و سادوک (۲۰۱۰) نیز شیوع غفلت از کودکان و اختلاف‌ها و نارضایتی‌های زناشویی در صورت مصرف الکل را بالا می‌دانند که نشان‌دهنده مسئولیت‌پذیری کمتر نسبت به اطرافیان است. همچنین براساس مؤلفه‌های اهمیت دادن خودجوش به دیگران و توانایی بخشش اشتباه‌های دیگران، این یافته همچنین با پژوهش‌ها و گزارش‌های سینگ و سینگ (۲۰۱۱)، پاریک و رانجان (۲۰۱۵)، مک‌کلند و تپلین (۲۰۰۱)، به نقل از جولیان و همکاران، ترجمه ابراهیم‌زاده و همکاران، (۱۳۸۹) و سادوک و سادوک (۲۰۱۰) نیز همسوست. این معنا به وفور در آیات و روایات اسلامی به چشم می‌خورد.

در این پژوهش نیز همانند پژوهش‌های دیگر محدودیت‌های چندی وجود دارد که عبارت‌اند از: اینکه همه آزمودنی‌ها مذکر و کارکنان ادارات اهواز بودند؛ از این‌رو، تعمیم یافته‌های پژوهش به جنس مؤنث و دیگر سازمان‌ها باید با احتیاط صورت گیرد. همچنین، در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه استفاده شده است و با توجه به اینکه پرسش‌نامه‌ها جنبه خودگزارشی داشتند، ممکن است که در پاسخ‌ها سوگیری وجود داشته باشد. افزون‌بر این، پژوهش حاضر از نوع آزمایشی نبود، بنابراین، نمی‌توان با اطمینان رابطه علی میان متغیرها را از آن استنتاج کرد. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود که در آینده، پژوهشی با طرح آزمایشی، برای بررسی رابطه علی میان متغیرهای پژوهش حاضر انجام شود. پیشنهاد می‌شود نتایج تحقیق برای افزایش آگاهی مردم از اهمیت حلال‌خواری از سوی رسانه‌ها و مراکز آموزشی به نحو مناسبی به اطلاع مردم و به‌ویژه نسل جوان رسانده شود. برای مثال، می‌توان از هنرهای نمایشی برای این‌گونه آموزش‌ها استفاده کرد.



منابع

- قرآن کریم. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی (۱۳۸۴)، قم: انتشارات صبح صادق.
۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۲۹ق)، غرر الحکم و درر الکلم. تحقیق: رجائی، سیدمهدی، قم: مؤسسه دارالکتاب الاسلامی.
 ۲. ابطحی، حسین و خیراندیش، مهدی (۱۳۸۸)، «ارائه الگوی خودکنترلی در سازمان با نگرش اسلامی»، مجله تدبیر، ۲۱۳، ص ۲۳-۲۸.
 ۳. بهزادی، الهام؛ نعیمی، عبدالزهرا؛ و بشلیده، کیومرث (۱۳۹۴)، «رابطه وجدانی بودن، جو اخلاقی و رهبری اخلاقی با فضیلت سازمانی»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۱۰ (۱)، ص ۶۳-۷۳.
 ۴. بهشتی‌فر، ملیکه و نکویی‌مقدم، محمود (۱۳۸۹)، «رابطه رفتار اخلاقی مدیران با رضایت شغلی کارکنان»، مجله اخلاق در علوم و فناوری، ۵ (۱-۲)، ص ۶۷-۷۳.
 ۵. پالاهنگ، حسن؛ نشاط‌دوست، حمیدطاهر؛ و مولوی، حسین (۱۳۸۸)، «هنجاریابی پرسش‌نامه ۶ عاملی شخصیت در دانشجویان ایرانی»، پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، ۴ (۱۶)، ص ۴۳-۶۱.
 ۶. پورصادق، ناصر (۱۳۹۱)، «راهبردهای مقابله با فرسودگی شغلی کارکنان در تعامل با کارکردهای شخصیت»، فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی، ۱۰ (۴)، ص ۷۷-۸۲.
 ۷. جولیان، رابرت؛ آدوکات، کلیر؛ و کوماتی، جوزف (۱۳۸۹)، راهنمای جامع داروهای روان‌پزشکی و مواد مؤثر بر روان (آثار، کاربردها و عوارض جانبی)، ترجمه صدیقه ابراهیم‌زاده، علی‌اکبر ثمری، سعید جهانیان، بیوک تاجری و سیدمجتبی جزایری، تهران: انتشارات ارجمند.
 ۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعة. قم: نشر آل‌البیت.
 ۹. زره‌پوش، اصغر؛ کجباف، محمدباقر؛ حشمتی‌فر، لیلا؛ صادقی، امیرحسین؛ و امید، حامد (۱۳۹۳)، «بررسی جهت‌گیری مذهبی و ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان براساس پنج عامل شخصیت»، مجله دانشگاه علوم پزشکی کردستان، ۱۹ (۳)، ص ۶۸-۷۶.
 ۱۰. سرافراز، مهدی‌رضا؛ قربانی، نیما؛ و جواهری، عابدین (۱۳۹۲)، «خودمهارگری: ظرفیتی واحد یا دو وجهی؟ تمایز بین وجوه با‌دارندگی و برانگیختگی در دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، فصلنامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی، ۶ (۴)، ص ۶۹-۷۵.

۱۱. سیادت، سیدعلی؛ مختاری پور، مرضیه؛ و کاظمی، ایرج (۱۳۸۸)، «رابطه بین هوش اخلاقی و رهبری تیمی در مدیران آموزشی و غیرآموزشی از دیدگاه‌های اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان»، مدیریت سلامت، ۲ (۳۶)، ص ۶۱-۷۰.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۴)، نثر اللآلی، ترجمه: حمیدرضا شیخی، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۳. عینائی، محمد بن محمد (۱۳۸۴)، المواعظ العددیه، قم: انتشارات طلیعة النور.
۱۴. فرهادی نژاد، زهرا (۱۳۹۴)، بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سواس فکری-عملی با خودبیمارانگاری در دانشجویان پزشکی و غیرپزشکی دانشگاه شهید چمران اهواز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات اهواز، اهواز.
۱۵. فیاض، ایراندخت؛ کاظمی، سیما؛ رئیسون، محمدرضا؛ و محمدی، یحیی (۱۳۹۶)، ارتباط باورهای انگیزشی یادگیری و ابعاد منبع کنترل با پیشرفت تحصیلی دانشجویان، پژوهش در آموزش علوم پزشکی، ۸ (۲)، ص ۶۹-۷۶.
۱۶. قضاعی، محمد بن سلامه (۱۳۶۱)، شهاب الاخبار، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، فروع کافی، قم: نشر قدس.
۱۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۱۹. مظاهری، مریم و حسینی، مینا (۱۳۹۲)، «جایگاه مهار و خودکارآمدی عمومی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان»، مجله ارمغان دانش، ۱۸ (۲)، ص ۱۲۵-۱۳۶.
۲۰. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۷۹)، معراج السعاده، قم: انتشارات هجرت.
21. Baumeister, R.F., Vohs, K.D., & Tice, D.M. (2007), The strength model of self-control. *Association for Psychological Science*, 6(16), 351-355.
22. Brislin, R.W., Lonner, W.J., & Thorndike, R.M. (1973), *Cross-cultural research methods*. New York: John Wiley & Sons.
23. Bushman, B. J., & Cooper, H. M. (1990), Effects of alcohol on human aggression: An intergrative research review. *Psychological Bulletin*, 107(3), 341-354.
24. Cerny, B.A. & Kaiser, H.F. (1977), A study of a measure of sampling adequacy for factor-analytic correlation matrices. *Multivariate Behavioral Research*, 12(1), 43-47.

25. Fadzillillah, N.A., Che Man, Y.B., Jamaludin, M.A., Rahman, S.A., & Al-Kahtani, H.A. (2011), *Halal food issues from Islamic and modern science perspectives*. 2nd International Conference on Humanities, Historical and Social Sciences, Singapore, IACSIT Press. pp. 159-163.
26. Friese, M., & Hofmann, W. (2010), Control me or I will control you: Impulses, trait self-control, and the guidance of behavior. *Journal of Research in Personality*, 43(17), 795-805.
27. Kayser, A.S., Mitchell, J., Weinstein, D., & Frank, M.J (2015), Dopamine, locus of control, and the exploration-exploitation tradeoff. *Neuropsychopharmacology*, 40, 454-462.
28. Khattak, J.Z.K., Mir, A., Anwar, Z., Wahedi, H.M., Abbas, G., & ... Ismatullah, H. (2011), Concept of halal food and biotechnology. *Advance Journal of Food Science and Technology*, 3(5), 358-389.
29. Lennik, D., & Kiel, F. (2005), *Moral intelligence, enhancing business performance and leadership success*. New Jersey: Wharton school of the university of Pennsylvania and person education.
30. Levenson, H. (1981), Differentiating among internality, powerful others, and chance. In H. Lefcourt (Ed.), *Research with the locus of control construct* (Vol. 1 pp: 15-63), New York: Academic Press.
31. Madhuri, S. (2012), Comparison of personality of alcoholics & drug addicts versus non-alcoholics & non-drug addicts. *International Journal of Science and Research*, 1(3), 27-35.
32. McCrae, R.R., & Costa, P.T. (1985), Comparison of EPI and Psychoticism scales with measures of the five-factor model of personality. *Personality and Individual Differences*, 6, 587-597.
33. McCrae, R.R., & Costa, P.T. (2004), A contemplated revision of NEO five factor inventory. *Journal of Personality and Individual Differences*, 36, 587-596.
34. Pareek, A., & Ranjan, R. (2015), Personality traits among alcoholics and non-alcoholics of jaipur, rajasthan. *International Journal of Scientific Research*, 4(6), 17-18.
35. Reuters, T. (2015), *State of the global Islamic economy*. 2014-2015 Report. pp: 1-220.

36. Rihtaric, M.L., Vrselja, I., & Nisevic, A.J. (2015), Relationship between alcohol consumption and violent offending: Personality as a contributing factor. *Alcoholism and Psychiatry Research*, 52, 105-114.
37. Rotter, J. B. (1966), Generalized expectancies for internal versus external control of reinforcement. *Psychological monographs: General and Applied*, 80(1), 1-28.
38. Sadock, B.J., & Sadock V.A. (2010), *Kaplan and Sadock's Pocket Handbook of Clinical Psychiatry*. Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins.
39. Simons, J. S., Maisto, S. A., & Wray, T. B. (2010), Sexual risk taking among young adult dual alcohol and marijuana users. *Addictive Behaviors*, 35(5), 533-536.
40. Singh, A., & Singh, D. (2011), Personality characteristics, locus of control and hostility among alcoholics and non-alcoholics. *International Journal of Psychological Studies*, 3(10), 99-105.
41. Tangney, J.P., Baumeister, R.F., & Boone, A.L. (2004), High self-control predicts good adjustment, less pathology, better grades, and interpersonal success. *Journal of Personality*, 72(2), 271-324.